

۱- «علی الانسان أن تكون له ساعة يحاسب فيها نفسه، إن يعقل!»:

- (۱) بر انسان است که در ساعتی معین به حساب نفس خود رسیدگی کند، اگر عاقل باشد.
- (۲) انسان باید ساعتی داشته باشد که در آن خود را محاسبه کند، اگر عاقل است.
- (۳) چنانچه انسان عاقل باشد ساعتی خواهد داشت که در آن اعمال خود را محاسبه کند.
- (۴) انسان می‌بایست در ساعتی معین خویشتن را محاسبه کند، اگر عاقل است.

۲- «لا يُحْمَلُ المَعْلَمُونَ على التلاميذ في أداء الواجبات ما لا يُطيقونه!»:

- (۱) شاگردان در انجام تکالیف در زمینه آنچه توانایی‌اش را ندارند نباید تحمیل شوند.
- (۲) معلمان بر دانش‌آموزان در انجام تکالیف، آنچه را که توانایی آن را ندارند تحمیل نمی‌کنند.
- (۳) معلمان نباید بر دانش‌آموزان در انجام تکلیفشان آنچه را که طاقتش را ندارند تحمیل کنند.
- (۴) معلمان بر شاگردان خود آنچه را که توانایی‌اش را ندارند، چیزی از تکلیف درسی اجبار نمی‌کنند.

۳- «أمر الجلادين بقطع لسان هذا العالم الشجاع عندما غضب الخليفة، ففاز ببقاء ربه»:

- (۱) شکنجه‌گران امر به قطع زبان این عالم شجاع شدند وقتی خلیفه عصبانی شد و او به دیدار پروردگارش شتافت.
- (۲) وقتی خلیفه خشمگین گشت جلادها مأمور شدند زبان این دانشمند بی‌باک را قطع کنند و او به لقای حق پیوست.
- (۳) هنگامی که خلیفه عصبانی شد به جلادها دستور داد زبان این دانشمند شجاع را قطع کنند و او به دیدار خدایش نایل شد.
- (۴) با غضبناک شدن خلیفه، شکنجه‌گران این عالم شجاع، زبانش را قطع کردند و او با دیدار خدایش رستگار شد.

۴- «الكبار يعظوننا و في الواقع يطلبون منا أن ندرس جيداً، فلنجعل أقوالهم نصب أعيننا»:

- (۱) بزرگان ما را پند می‌دهند و در واقع از ما می‌خواهند که خوب درس بخوانیم، پس باید سخنان آن‌ها را نصب العین خود قرار دهیم!
- (۲) بزرگ‌ترها به ما اندرز می‌دهند و در حقیقت از ما می‌خواهند که درس یاد بگیریم لذا باید سخنانشان را مقابل چشمان خود قرار دهیم.
- (۳) بزرگان وقتی ما را موعظه می‌کنند در واقع از ما می‌خواهند که خوب درس بدهیم، بنابراین ما هم باید سخن آن‌ها را در برابر دیدگان قرار دهیم.

(۴) بزرگ‌ترها به ما پند می‌دادند و در حقیقت از ما می‌خواستند که با خوب درس خواندن، سخنان آن‌ها را نصب العین خود قرار دهیم!

۵- عین الصحيح:

- (۱) صدیقک الوفی لن یترکک عند الشدة: دوست باوفای تو، تو را هنگام سختی رها نخواهد کرد.
- (۲) قيمة الانسان ما يحسنه: ارزش انسان آن است که (دیگران به او) نیکی کنند.
- (۳) ليس صدیقک من لیست سریرته و علانیته واحدة: دوست تو کسی است که صورت و سیرتش یکی باشد.
- (۴) هناك في السماء اثنا عشر كوكباً: در آن آسمان دوازده ستاره وجود دارد.

۶- «وأتق الله فتقوى الله ما/ جاورت قلب امرئ آلا وصل!» عین الخطأ فی المفهوم:

- (۱) إن الله مع الذين اتقوا و الذين هم محسنون!
- (۲) إن أكرمکم عندالله أتقاکم!
- (۳) عندما تصل إلى أهدافك تُصبح ذا التقوى!
- (۴) التقرب إلى الله من تقوى القلوب!

۷- «در صفحه ششم از درس نهم پنج کلمه آمده که دوتای آن‌ها مفهومی ندارند»:

- (۱) جاءت في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات، كلمتان منها بدون مفهوم!
- (۲) كُتبت في الصفحة السادسة من درس التاسع خمسة كلمات، كلمتان اثنتان منه غير مفهوم!
- (۳) ورد في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات، كلمتان منه بدون مفهوم!
- (۴) ورد في ستة صفحات من تسع دروس خمسة كلمات، اثنتان منها غير مفهوم!



۸- «در ساعت هفت صبح فقط شش دانش‌آموز در مدرسه حضور داشتند!»؛ إنّما.....

۱) ستّة تلاميذ كنّ حاضرون في المدرسة في الساعة صباحاً!

۲) سادس طالبات كانوا حاضرات في الساعة صباحاً في المدرسة!

۳) كان طلاب سادس حاضرون في الساعة السابعة صباحاً في المدرسة!

۴) كانت ستّ تلميذات حاضرات في المدرسة في الساعة السابعة صباحاً!

۹- «من الذين يحملون الأكياس على أكتافهم من لا يُعرفون إلّا بعد موتهم»:

۱) آنان که کیسه‌ها را بر شانه‌شان حمل می‌کنند و شناخته نمی‌شوند مگر بعد از مرگشان چه کسانی هستند.

۲) از کسانی که کیسه‌ها را بر شانه‌هایشان حمل می‌کنند کسانی هستند که جز بعد از وفاتشان شناخته نمی‌شوند.

۳) از میان کسانی که کیسه‌ها را بر شانه‌هایشان می‌برند کسانی هستند که شناسایی نمی‌شوند مگر با مرگشان.

۴) کسانی که مشک‌ها را روی شانه‌هایشان می‌برند کسانی هستند که فقط بعد از مرگ شناخته می‌شوند.

۱۰- «ألجأت التلميذ المصاعب إلى أن يبحث عن عمل لتأمين معاشه»:

۱) سختی‌ها دانش‌آموز را واداشت که برای تأمین معاش خود به دنبال کاری برآید!

۲) سختی، دانش‌آموز را وادار کرد که به کاری برای تأمین هزینه زندگی خود روی آورد.

۳) مشکلات دانش‌آموز، او را بر آن داشت که برای تأمین زندگی خود به دنبال کار بگردد.

۴) برای آن که دانش‌آموز به دنبال کار برای تأمین معاش خود برود او را به سختی‌ها وادارید.

۱۱- عین الصحیح:

۱) عاشر من يجالسون العلماء و يشاورونهم؛ با کسانی که با دانشمندان همنشینی می‌کنند و با آن‌ها مشورت می‌کنند، معاشرت کن!

۲) اولئك الطالبات المجتهدات محترمات؛ آن‌ها دانش‌آموزان کوشای محترمی هستند.

۳) لا تعجب من أن الظلمة كثيرون في العالم؛ از این که ستم‌کاری در جهان زیاد است تعجب نمی‌کنم.

۴) يا ولدي! إعلما أن الرأي لا يتحقق بالكلام بل بالتنفيذ أهم؛ فرزندانم، بدانید که اندیشه با حرف تحقق نمی‌یابد، بلکه مهم اجراست.

۱۲- «في حياة الباحثين سرّ غامض و هو مخفي على الآخرين»:

۱) پژوهشگران در زندگی خود راز پیچیده‌ای دارند که بر دیگران پوشیده است.

۲) در زندگی محققان راز مبهمی است که از دیگران پنهان مانده است.

۳) پژوهشگران در زندگانی خود راز پیچیده و نهفته‌ای دارند که از دیگران مخفی مانده است.

۴) در زندگی پژوهشگران راز پیچیده‌ای است که بر دیگران پوشیده می‌باشد.

۱۳- «أردت أن أذهب مع صديقي إلى الحديقة العامّة» عین السؤال غير المناسب:

۱) إلی أين كنت تريد أن تذهب؟

۲) ماذا أردت أن تعمل مع صديقك؟

۳) مع من أردت أن تذهب إلى الحديقة العامّة؟

۴) متى ذهبت أنت و صديقك إلى الحديقة العامّة؟

۱۴- «نحن نرى أن كثيراً من علماء إيران بعد اسلامهم ألفوا آثارهم باللغة العربيّة»:

۱) بسیاری از دانشمندان ایرانی را بعد از اسلام می‌بینیم که آثارشان به زبان عربی نگاشته شده است.

۲) ما می‌بینیم که بسیاری از دانشمندان ایران بعد از اسلام آوردنشان آثار خود را به زبان عربی تألیف کردند.

۳) بعد از اسلام، بسیاری از دانشمندان ایران را می‌یابیم که کتاب‌های خود را به زبان عربی تدوین کرده‌اند.

۴) جمعی از علمای ایران را بعد از اسلامشان می‌بینیم که آثار خود را به زبان عربی نگاشته‌اند.

۱۵- «تو باید دوستانت را تشویق کنی که در زندگی کوتاه خود دروغ نگویند!»:

۱) عليك تشجيع أصدقاءك بأن لا يكذبوا طول حياتهم القصيرة!

۲) يجب عليك أن تشجع الأصدقاءك بأنهم لا يكذبون خلال الحياة القصيرة!

۳) عليك أن تشجع أصدقاءك بأن لا يكذبوا في حياتهم القصيرة!

۴) إلزم أن تشوق صديقاتك بأن لا يكذبن في حياتهن القصيرة!

۱۶- «بدان که نظر مهم فقط با عمل محقق می‌شود نه با سخن»:

۱) تعلم أن الفكر العظيم ليس محققاً بالكلام فقط بل بالعمل!

۲) إعلمي أن العقيدة تحقق بالعمل لا بالكلام!

۳) إعلم إنّما الرأي المهمّ يتحقّق بالعمل لا بالكلام!

۴) أعلم أن الرأي المهمّ لا يتحقّق بالكلام بل بالعمل!



پاسخ تست‌های ترجمه و تعریب قسمت اول

۱- گزینه ۲ پاسخ است.

در گزینه‌ی اول معین در جمله عربی وجود ندارد. در گزینه‌ی سوم اعمال در جمله‌ی عربی وجود ندارد و در گزینه‌ی چهارم معین در جمله عربی وجود ندارد.

۲- گزینه ۲ پاسخ است.

ترجمه گزینه‌ی اول کلاً مطابقت با جمله‌ی عربی ندارد. در گزینه‌ی سوم [الواجبات] جمع است که به صورت مفرد ترجمه شده ضمناً «شان» در [تکلیف شان]، اضافی وارد شده است. در گزینه‌ی چهارم [شاگردان خود]، «خود» اضافه ترجمه شده، هم‌چنین چیزی از غلط است.

۳- گزینه ۳ پاسخ است.

در گزینه‌ی اول امر شدند [أمر] مجهول است در حالی که فعل جمله، معلوم است. هم‌چنین [به دیدار پروردگارش شتافت] ترجمه‌ی أصحی از [فاز بلقاء ربّه] نیست.

در گزینه‌ی دوم [مأمور شدند] ترجمه مناسبی از امر نیست. در گزینه‌ی چهارم کلاً ترجمه مناسبی از جمله عربی ارائه نشده چرا که فعل [غضب] به صورت مصدر ترجمه شده است. هم‌چنین [هذا العالم الشجاع] به عنوان صفت محسوب شده که غلط است.

۴- گزینه ۱ پاسخ است.

(الکبار) جمع (کبیر) به معنی بزرگ است پس [بزرگ‌ترها] در گزینه‌ی دوم غلط است، هم‌چنین درس یاد بگیریم در این گزینه غلط است. در گزینه‌ی سوم وقتی نابجا بعد از بزرگان آمده. و نیز درس بدھیم در این گزینه غلط است. ندرس که مضارع ثلاثی مجرد است به معنی درس می‌خوانیم می‌باشد.

در گزینه‌ی چهارم افعال به زمان مناسب خود به کار نرفته‌اند و فعل ندرس هم به صورت مصدر ترجمه شده!

۵- گزینه ۱ پاسخ است.

[لن + فعل مضارع] را به دو طریق می‌توان ترجمه کرد: آینده منفی (که اولویت دارد) و مضارع منفی.

ترجمه صحیح گزینه‌ی دوم: ارزش انسان به چیزی است که آن را خوب انجام می‌دهد.

ترجمه صحیح گزینه‌ی سوم: دوست تو نیست کسی که ظاهرش و باطنش یکی نباشد!

در ترجمه گزینه‌ی چهارم: در آن اضافی و غلط است.

۶- گزینه ۳ پاسخ است.

ترجمه گزینه‌ی ۳ چنین است: وقتی به هدف‌هایت می‌رسی، با تقوی می‌شوی. و این ترجمه، مناسبی با مفهوم بیت ندارد.

۷- گزینه ۱ پاسخ است.

[صفحة ششم: الصفحة السادسة] [درس نهم: الدرس التاسع]

۸- گزینه ۴ پاسخ است.

ساعت هفت: الساعة السابعة

۹- گزینه ۲ پاسخ است.

در گزینه اول [اكتاف] که جمع است به صورت مفرد ترجمه شده، هم‌چنین [من] در ابتدای جمله را به اشتباه اسم استفهام گرفته و ترجمه کرده‌اند.

در گزینه سوم [شناسایی نمی‌شوند] غلط است. در گزینه چهارم [مشک‌ها] غلط است، هم‌چنین فعل آخر جمله منفی است در حالی که مثبت ترجمه شده است، ضمیر [هم] در [موتهم] نیز ترجمه نشده.

۱۰- گزینه ۱ پاسخ است.

در گزینه دوم کلمات [المصاعب = سختی‌ها] و [یبحث عن = جستجو کردن] به اشتباه ترجمه شده‌اند. در گزینه سوم [التلمیذ] که مفعول به است مانند مضاف الیه ترجمه شده و هم‌چنین [عمل] یک اسم نکره است که به صورت معرفه ترجمه شده.

در گزینه چهارم [عمل]، معرفه ترجمه شده و فعل ألجأت که ماضی است به صورت امر حاضر معنی شده.



۱۱- گزینه ۱ پاسخ است.

در گزینه دوم [محترمت] خبر است در حالی که به صورت صفت ترجمه شده. در گزینه سوم [الظلمه] جمع مکسر ظالم است به معنی ستمکاران نه ستمکاری! در گزینه چهارم [اهم] به معنی مهمتر اسم تفضیل است.

۱۲- گزینه ۴ پاسخ است.

این عبارت شامل دو جمله است که هر دو اسمیه هستند. برای ترجمه جملات اسمیه به فارسی در صورتی که در آن‌ها فعلی وجود نداشته باشد از مشتقات فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم. «می‌باشد» همان «است» است.

۱۳- گزینه ۴ پاسخ است.

در گزینه چهارم از زمان انجام کار سؤال می‌کند که در صورت سؤال اشاره‌ای به آن نشده است.

۱۴- گزینه ۲ پاسخ است.

در گزینه اول ضمیر [هم] در [اسلامهم] ترجمه نشده هم‌چنین [آل‌فوا] به اشتباه به صورت مجهول ترجمه شده. در گزینه سوم ضمیر [هم] در [اسلامهم] ترجمه نشده، «نری» [می‌یابیم] ترجمه شده که غلط است. گزینه چهارم هم به طور کلی غلط ترجمه شده است.

۱۵- گزینه ۳ پاسخ است.

در گزینه اول معادل [تشویق کنی] که فعل است، مصدر [تشجیع] آمده که غلط است.

در گزینه دوم [اصدقاء] که مضاف است [ال] گرفته و غلط می‌باشد هم‌چنین [دروغ نگویند] مضارع التزامی منفی است و [لایکذبون] معادل صحیح آن نمی‌باشد.

در گزینه چهارم فعل [إلزم] و [أن تشوقی] از جهت صیغه باهم هم‌خوانی ندارند.

۱۶- گزینه ۳ پاسخ است.

معادل واژه بدان [إعلم] است که یک فعل ثلاثی مجرد است بنابراین گزینه‌های ۱ و ۴ غلط‌اند. هم‌چنین در گزینه دوم [تحقق] فعل ماضی است. در گزینه اول [الفکر العظیم] معادل مناسبی برای [نظر مهم] نیست ادامه جمله هم با جمله فارسی آن غیر متناسب است.



مؤسسه آموزشی فرهنگی

